



## Evaluating the Structural Capacity of the System of Investigating the Disciplinary Violations of the Medicines in Iran, in the Direction of the Observation of Justice and Equity

Mohammadvazin Karimian<sup>1</sup>

1. Department of Judicial Management, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The structural capacity is a necessity and has the priority; the incomplete bases and lack of appropriateness and transparency in the structure is the determinate obstacle in the course of achieving the goal. The principal problem of the research is lack of objective criteria for the justice and equity in the Law of the Organization of the Medical System of Islamic Republic of Iran and there is not a special investigation method for the equity. The importance of the justice and equity for evaluating the structural capacity of the system of investigating the disciplinary violations of the medicines verifies the importance of the research. The aim of this research is evaluating the structural capacity of the system of investigating the disciplinary violations of the medicines in Iran, from the perspective of justice and equity. So the question of this research is that how is the structural capacity of the system to implementing the justice and equity and if the structure of this system is not complete and correct, what is the way to solving the problem?

**Method:** The information is collected from the related books and papers and from the related documents. The collected information is analyzed according to the system approach, with the emphasis on the dynamism and a combination of the principal logic of the administrative law, with the emphasis on the professional system and the principal logic of the criminal law is applied

**Ethical Considerations:** In the research and writing this paper, legal principles has been observed and in each quoting, the resors is mentioned.

**Results:** The results of this paper are: The necessity of the reform of article 28 of the law of the organization of the medical system of I.R. of Iran; the necessity of the explicit rule for investigating of disciplinary court, and judicial court in the case of the behavior that is crime and disciplinary violation; the necessity of organixational posts for assistant prosecutor and prosecutor; the necessity of cpmplting the procedural system of the disciplinary prosecution - especially objective definition for "justise" and "equity".

**Conclusion:** The analysis has leded to this result that the mentioned structure must be reformed, completed and updated, in order to reaching the justice and equity and a proposition has been submitted for the way of accomplishing this goal.

**Keywords:** Medicine; Disciplinary Violation; Investigating Disciplinary Violations; Justice; Equity

**Corresponding Author:** Mohammadvazin Karimian; **Email:** mv\_karimian@ujsas.ac.ir

**Received:** November 26, 2022; **Accepted:** February 09, 2023; **Published Online:** March 13, 2023

### Please cite this article as:

Karimian M. Evaluating the Structural Capacity of the System of Investigating the Disciplinary Violations of the Medicines in Iran, in the Direction of the Observation of Justice and Equity. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e72.



## سنجش ظرفیت ساختاری نظام رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان در ایران، از جهت رعایت عدل و انصاف

محمدوزین کریمیان<sup>۱</sup>

۱. گروه مدیریت قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** ظرفیت ساختاری، واجد این ضرورت و اولویت است که نقص و یا اشکال اساسی و یا نبود شفافیت در ارکان ساختار، حتی با فرض وجود مدیران و متصدیان شایسته و کوشا، مانع قطعی تحقق کامل هدف است. مسأله اصلی پژوهش، این است که ملاک‌های عدل و انصاف در قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، فاقد شاخص‌های عینی و تمایز روشن در سنجش هستند و انصاف، دارای روش مخصوص رسیدگی نیست. اهمیت رعایت عدل و انصاف در سنجش ظرفیت ساختاری نظام رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان، مبین اهمیت موضوع پژوهش است. هدف پژوهش، سنجش ظرفیت ساختاری نظام رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان در ایران، از جهت رعایت عدل و انصاف است. بنابراین پرسش اصلی پژوهش، این خواهد بود که ساختار مذکور، برای رعایت عدل و انصاف، از چه ظرفیتی برخوردار است و اگر این ساختار، دارای نقص، اشکال و یا چالش است، راه حل چیست؟

**روش:** روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و رجوع به اسناد و مدارک است. اطلاعات گردآوری شده، با رویکرد نظام‌گرا، با تأکید بر پویایی و با به کار بردن ترکیبی از منطق‌های اصلی حقوق جزا و حقوق اداری (نظام‌های حرفه‌ای) تحلیل شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در طول پژوهش و نوشتن مقاله، اصول اخلاقی رعایت شده و در نقل هر مطلب، منبع و مأخذ مربوط ذکر شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش حاضر عبارتند از: ضرورت اصلاح ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت تصریح قانون به رسیدگی مرجع انتظامی، علاوه بر رسیدگی مرجع قضایی، در مورد تخلف‌هایی که در عین حال، جرم هم باشند، ضرورت در نظر گرفتن پست‌های ثابت سازمانی برای دادرسی و دادستانی انتظامی، ضرورت کامل شدن آیین رسیدگی دادرسی انتظامی به ویژه وجود تعریف عینی برای «عدل» و «انصاف».

**نتیجه‌گیری:** پژوهش حاضر، منجر به این نتیجه گشته است که ساختار فعلی رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان، به منظور برخورداری از ظرفیت کافی برای رعایت کامل عدل و انصاف، نیازمند به روزرسانی، اصلاح و تکمیل است و سرانجام، ترتیب دستیابی به این مقصود، ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** پزشک؛ تخلف انتظامی؛ رسیدگی به تخلفات انتظامی؛ عدل؛ انصاف

نویسنده مسئول: محمدوزین کریمیان؛ پست الکترونیک: [mv\\_karimian@ujsas.ac.ir](mailto:mv_karimian@ujsas.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Karimian M. Evaluating the Structural Capacity of the System of Investigating the Disciplinary Violations of the Medicines in Iran, in the Direction of the Observation of Justice and Equity. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e72.

## مقدمه

ضرورت و اهمیت رعایت عدل و انصاف در همه امور زندگی بشر، از جمله در رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان، امری روشن است. تصدیق این ضرورت، موجب توجه به ضرورت وجود ساختار مناسب برای رعایت عدل و انصاف است. این توجه نیز به سهم خود، نیاز به سنجش ظرفیت ساختاری رعایت عدل و انصاف را مطرح می‌سازد. در طرح این سنجش، پس از بیان مسأله، هدف، قلمروها، و روش پژوهش مطرح خواهد بود.

۱. بیان مسأله: مسأله اصلی پژوهش از اینجا ناشی می‌شود که در نظام حقوقی کشور ما تعریف، شاخص و استاندارد عدل و انصاف، در تئوری و در عمل، مورد اتفاق نظر نیستند و ارجاع قوانین به انصاف، فاقد نظام‌مندی است.

به موجب ماده ۱ از فصل چهارم سند «راهنمای عمومی اخلاق حرفه‌ای اعضای سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران»، مصوب ۱۳۹۶/۴/۱۵ شورای عالی نظام پزشکی، «لازم است اعضا انصاف را در مورد همه بیماران و مراجعه‌کنندگان و عدالت را بین بیماران و مراجعه‌کنندگان مختلف پاس دارند...» این در حالی است که «انصاف»، از جمله «مرادف عدالت» (۱) تعریف شده است و برای عدالت نیز از جمله این تعریف ارائه شده است: «(فقه - مدنی) یعنی ترک جرائم (گناهان) بزرگ و اصرارنورزیدن بر جرائم کوچک و رعایت مروت. مروت عبارت است از اتصاف به اموری (از ترک و فعل) که پسندیده است بر حسب زمان و مکان و شأن شخص. همه مراتب بالا باید به حد ملکه برسد (ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی) حالت عکس عدالت را فسق گویند (جامع‌الشتات، ص ۶۹۹)، در علم حقوق هماهنگی انسان را با نظام جهان عدالت گویند» (۱)، «عدل و انصاف» (به صورت یک واژه) نیز این‌گونه تعریف شده است: «الف - گذاشتن پایه احقاق حق بر مساوات در مقابل قانون و احترام به حقوق افراد؛ ب - در مقابل قوانین موضوعه به کار می‌رود، یعنی نظری که از قوانین موضوعه گرفته نشده و حتی ممکن است مغایر با آن باشد، در عین حال که عرفاً مصداق عدل و انصاف شمرده می‌شود...» (۱) و «قاعده عدل و انصاف» این است:

«الف - محل قاعده عدل و انصاف، مواردی است که حس برقراری موازنه حقوق در انسان تحریک شود، حکم عقل و وجدان در چنین صورتی قاعده عدل و انصاف را تشکیل می‌دهد...؛ ب - تساوی در مقابل قانون و احترام به حقوق دیگران؛ ج - مفهوم ناشی از وجدان و فطرت که در قوانین موضوعه دیده نمی‌شود و یا خلاف آن دیده می‌شود» (۱). اینک، پزشکان و مراجع رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان، باید کدام معنای «عدالت» و «انصاف» را مبنا قرار دهند؟

عدالت (Equity) به معنای مهربان (Kind) و منصف‌بودن (Fair) (مدیر نسبت زبردستان خود) نیز مد نظر است (۲).

مرور نمونه‌ای از سایر منابع در ادبیات حقوقی کشورمان نیز ما را به تعریفی که مورد اتفاق نظر همه دانشمندان و مجریان عدل و انصاف باشد، نرسانده است.

از سویی دیگر، افراد برای هدایت زندگی خود به قواعد متنوع متوسل می‌شوند... درجه‌ای از هم‌پوشانی بین قواعد اخلاقی و قواعد حقوقی وجود دارد (۳)، اینک، آیا انصاف، ماهیتی اخلاقی دارد یا حقوقی؟

و اگر عدالت را دارای ماهیتی حقوقی بدانیم، آیا فقط قانون، ملاک است یا سایر اقسام قواعد حقوقی - مثل عرف - نیز ملاک هستند؟ و اگر در موضوعی، قاعده حقوقی مستقری وجود نداشت - وضعیتی که مخصوصاً در زمانه ما، با تحولات پرشتاب، گسترده و عمیق علوم و فناوری‌ها، فراوان پیش می‌آید - تکلیف چیست؟

اینک، مسأله پژوهش حاضر این است که در نظام رسیدگی به تخلفات پزشکان، عدل و انصاف، تا چه اندازه، دارای تعریف و ملاک کاربردی هستند و ساختار قانونی مقرر در قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، مخصوصاً «فصل ششم/ هیأت‌های انتظامی پزشکی» و آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۰/۶/۱۹ شورای عالی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران و شیوه‌نامه اجرایی کمیسیون‌های موضوع ماده ۳۴ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی

## روش

این پژوهش، از نظر هدف، کاربردی (برای حل مسأله) و از نظر کلیت روش، توصیفی - تحلیلی است. روش‌های گردآوری و تحلیل اطلاعات به شرح زیر است:

۱. روش گردآوری اطلاعات: کتابخانه‌ای، رجوع به اسناد و مدارک.

۲. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: اطلاعات گردآوری شده، با رویکرد نظام‌گرا، با به کار بردن ترکیبی از منطق‌های اصلی حقوق جزا و حقوق اداری (نظام‌های حرفه‌ای) تحلیل شده است.

## یافته‌ها

۱. مبانی نظری پژوهش: ساختار نوعی رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای یک حرفه<sup>۱</sup>، شامل دادگاه انتظامی و دادسرای انتظامی است. دادگاه انتظامی یک قسم از اقسام دادگاه اداری (به معنای اعم کلمه) است، لذا در اینجا پس از طرح تئوری کلی دادگاه‌های اداری و اقسام این دادگاه‌ها، ویژگی نوعی دادگاه انتظامی بیان خواهد شد. به طور کلی، دادگاه‌های اداری (مراجع اختصاصی رسیدگی اداری) را از جهت ماهیت موضوع کار آن‌ها می‌توان در دو دسته جای داد: ۱- دادگاه‌های اداری رسیدگی به اختلافات اداری؛ ۲- دادگاه‌های اداری رسیدگی به تخلفات اداری.

۱-۱. تئوری کلی دادگاه‌های اداری (مراجع اختصاصی رسیدگی اداری): دادگاه‌های اداری (Administrative Tribunal) که از جمله شامل دادگاه‌های انتظامی هستند، در تعریف کلی، مراجع رسیدگی‌ای هستند که به موجب «قانون» برای رسیدگی به بعضی از اختلافات و یا تخلفات که ممکن است در جریان عملی امور اداری کشور، از جمله در نظام‌های حرفه‌ای ظاهر شوند، ایجاد می‌شوند.

در کشور ما این مراجع، با عنوان‌هایی مثل دیوان...، هیأت...، شورای...، کمیسیون... نیز نامیده شده‌اند و عنوان کلی مراجع شبه‌قضایی نیز برای آن‌ها به کار برده می‌شود. در کشورهای داری نظام حقوقی عرفی (Common Law) برای مراجع

جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۴/۹/۵ شورای عالی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران و آیین رسیدگی دادرها و هیأت‌های انتظامی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۰/۶/۱۹ شورای عالی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران و دستورالعمل نحوه کارشناسی و تشکیل کمیسیون‌های تخصصی در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۴/۹/۵ شورای عالی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین مرتبط با موضوع رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان، مثل قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، به ویژه اینکه بعضی از تخلفات انتظامی، در عین حال جرم هم هستند و مثل قانون شوراها حل اختلاف، دارای چه ظرفیتی برای رعایت درست و کامل عدل و انصاف است و در صورت نقص و یا اشکال ساختاری، چگونه باید آن را برطرف نمود؟

۲. هدف پژوهش: سنجش ظرفیت ساختاری نظام رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان در ایران، از جهت رعایت عدل و انصاف.

۳. قلمروهای پژوهش: قلمروهای پژوهش، از نظر موضوعی، زمانی، مکانی، و سازمانی به شرح زیر است:

۱-۳. قلمرو موضوعی: ساختار نظام رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان، از این جهت که با این ساختار، تا چه اندازه، امکان رعایت عدل و انصاف وجود دارد.

۲-۳. قلمرو زمانی: ساختار فعلی نظام رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان، مد نظر است و در صورت اقتضا، رجوع به پیشینه این ساختار، فقط تا جایی خواهد بود که برای درک کامل ساختار فعلی نیاز باشد.

۳-۳. قلمرو سازمانی: سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران.

۴-۳. قلمرو مکانی: حوزه جغرافیایی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران.

متوجه شدند که عملاً امکان ندارد که رسیدگی به همه این اختلافات و تخلفات - در اقسام و سطوح مختلف اختلاف و یا تخلف - به دادگاه‌های قضایی ارجاع شود. به عبارت دقیق‌تر، نه دادگاه‌های دادگستری توانایی رسیدگی به این حجم بالا و فزاینده اختلافات اداری و تخلفات اداری را دارند - در نظام حقوقی انگلیس، یکی از دلایلی که معمولاً برای ضرورت تأسیس دادگاه‌های اداری ارائه می‌شوند، این است: «(الف) دادگاه‌های معمولی، از قبل، بار کاری فوق‌العاده‌ای دارند و صلاحیت بیشتر، موجب آوار کار برای آن‌ها خواهد بود» (۳) و نه نظام اداری می‌تواند منتظر رسیدگی‌های بعضاً طولانی‌مدت به مسائل اداری - در میان پرونده‌های متنوع حقوقی و کیفری و... از سوی دادگاه‌های قضایی بماند.

محدودیت توانایی دادگاه‌های قضایی در رسیدگی به حجم بالا و فزاینده اختلافات اداری و تخلفات اداری، انعکاس واقعیت‌هایی انکارناپذیر بوده است، از جمله از نظر دانش و فناوری ماهیت موضوعی، اختلافات اداری، شامل اختلافاتی که در نظام‌های حرفه‌ای پیش می‌آمده است، دارای تنوع بالایی بوده و به مرور زمان به تعداد این انواع - و اقسام - افزوده می‌شده است و چنین آهنگی در مورد تخلفات اداری، از جمله تخلفات انتظامی نیز صادق بوده است.

توسعه علوم و فناوری‌ها در دهه‌های اخیر، به قدری گسترده، عمق و شدت یافته است که جز از سازمان‌های دولتی متصدی این فناوری‌ها و در مورد علوم و فناوری‌های نظام‌های حرفه‌ای، جز از نظام حرفه‌ای مربوط، نمی‌توان انتظار داشت که به تعداد کافی متخصص - از جمله برای رسیدگی به مسائل ناشی از روند امور اداری و ارائه خدمات مربوط - را در خدمت داشته باشند.

امروزه دادگاه‌های اداری، از جمله دادگاه‌های انتظامی، هرچند در کنار دلایل وجودی و مزایای (Advantages) خود، دارای محدودیت‌هایی (Disadvantages) نیز هستند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردند.

دادگاه‌های اداری (مراجع اختصاصی رسیدگی اداری)، نوعاً دو دسته‌اند: ۱- مراجع اختصاصی رسیدگی به اختلافات اداری؛ ۲- مراجع اختصاصی رسیدگی به تخلفات اداری (بر حسب

اختصاصی رسیدگی اداری، عنوان دیوان (Tribunal) به کار برده می‌شود که دارای دلالت ضمنی تمایز این مرجع با دادگاه قضایی (Court) نیز هست.

در نظام حقوقی انگلستان، آنچنانکه Lord Denning در کتاب خود با عنوان «آزادی در قلمرو قانون (Freedom under the Law)» بیان داشته است، دیوان‌های اداری «مجموعه جداگانه‌ای از دادگاه‌ها (Courts) هستند که با یک سری [مخصوصاً] از حقوق و وظایف (Rights and Duties) سروکار دارند... در زمانه ما نیز دیوان‌های جدیدی به حق‌ها و وظیفه‌های بین فرد و دولت - کشور (State) می‌پردازند» (۳). دادگاه‌های اداری با الگوی ساختاری و عملکردی کلی فعلی و اقسام و الگوی ویژه هر قسم را باید پدیده‌ای در نظام اداری مدرن دانست. منظور از نظام اداری مدرن، مجموعه‌ای از قوانین و سازمان‌های اداری (برای اداره امور عمومی جامعه، از جمله اداره خدمت عمومی)، از جمله نظام‌های حرفه‌ای است که با پیروزی نهضت‌های قانون اساسی خواهی (Constitutionalism) در کشورها به تدریج به وجود آمده‌اند.<sup>۲</sup>

توسعه تدریجی گسترده و تنوع فزاینده فعالیت‌های دولت، رهبران نظام اداری کشورها را به فکر طراحی خط مشی عدم تمرکز اداری انداخت. یکی از اقسام عدم تمرکز اداری، عدم تمرکز حرفه‌ای است. در این قسم از عدم تمرکز، نظام‌های حرفه‌ای، به موجب و مطابق قانون، تشکیل شده‌اند. هر کدام از آن‌ها قانون ویژه دارند (۴) و امور حرفه‌ها را با [هدایت] و نظارت (۴) دولت بر عهده دارند. یکی از این نظام‌ها، نظام پزشکی است.

از سوی دیگر، این فعالیت‌های مدرن، مسائل حقوقی جدیدی را پیش می‌آورده‌اند که نیازمند رسیدگی بوده‌اند. آن بخش از این مسائل که مقتضی «رسیدگی» در یک مرجع اختصاصی بوده‌اند، شامل دو دسته‌اند: ۱- اختلافات مثل اختلافات بین کارگر و کارفرما؛ ۲- تخلفات مثل تخلفات اداری کارمندان. بخشی از این مسائل حقوقی جدید، در نظام‌های حرفه‌ای - مثل نظام پزشکی - پیش می‌آمده‌اند.

از رویکردی دیگر، نظام‌های حاکمیتی کشورها، به تدریج و با توسعه تجربه اداره امور عمومی (Public Administration)

رسیدگی به اختلافات اداری، در مقابل رسیدگی به تخلفات اداری - است. رسیدگی به اختلاف صرف (اختلافی که هیچ یک از طرفین، دیگری را در نظری که دارد، متهم به بی‌اخلاقی نمی‌کند) در واقع، حکمیت (داوری) است.

داوری «(دادرسی مدنی) فصل خصومت توسط غیر قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی دعاوی» (۱) تعریف شده است. در سطح نظری، در اختلاف خالص (هیچ یک از ادعاهای مطرح‌شده، مبنی بر داشتن آگاهی و عمد در تضییع احتمالی حق، مطرح نشده باشد)، عبارت «حل اختلاف» به صورت خالص، صدق می‌کند - نه کمتر و نه بیشتر، خصومتی هم در بین نیست. این نکته شایسته توجه است که ادعای وجود آگاهی و عمد در تضییع حق، به معنای واردکردن اتهام رفتار خلاف اخلاق و یا خلاف قانون به طرف مقابل است و از آنجایی که بعضی از موارد رفتار خلاف قانون، جرم است، در این موارد، پرونده دارای جنبه کیفری نیز می‌شود که مقتضی رسیدگی کیفری است و واژه «حل اختلاف» صدق نمی‌کند.

در قانون‌های جمهوری اسلامی ایران تعدادی مرجع اختصاصی رسیدگی به اختلافات اداری مقرر شده است.<sup>۳</sup>

### ۱-۳. مراجع اختصاصی رسیدگی به تخلفات اداری:

هرچند در ادبیات حقوقی، برای «تخلف»، از جمله این تعریف ارائه شده است که «(حقوق اداری) تجاوز مأمور دولت از مقررات اداری در حین انجام وظیفه. در همین معنی می‌گویند: تخلفات انضباطی» (۱)، ولی در سطح نظر، می‌توان چنین گفت که تخلف اداری در معنای عام خود، شامل هر تخلفی است که از سوی مشمولین قوانین اداری پیش می‌آید. قوانین اداری در معنای عام خود، شامل قوانین سازمان‌های اداری (از جمله، قوانین ساختاری، رفتاری - به ویژه قوانین حاکم بر رفتار کارمندان) و قوانین خدماتی که این سازمان‌ها باید به موجب قانون ارائه دهند، قوانین انتظامی حاکم بر رفتار دسته‌هایی از کارکنان بخش عمومی، قوانین انتظامی زندگی شهر و روستا و تردد و حمل و نقل، قوانین انضباطی، قوانین حرفه‌ای و قوانین صنفی است.

مورد، انتظامی یا...، هرچند پژوهش حاضر بر رسیدگی به تخلفات انتظامی متمرکز است، در اینجا به تبیین مراجع اختصاصی رسیدگی به اختلافات اداری نیز پرداخته خواهد شد، زیرا رسیدگی به شکایت نیز در قلمرو صلاحیت قانونی مراجع انتظامی امور پزشکی قرار دارد که بر حسب مورد، عملاً ممکن است با رسیدگی به تخلف آمیخته شود.

### ۱-۲. مراجع اختصاصی رسیدگی به اختلافات اداری: قبل

از ورود به مبانی نظری مراجع اختصاصی رسیدگی به اختلافات اداری و با توجه به اینکه قلمرو موضوعی پژوهش حاضر، در بدو امر، محدود است به مراجع اختصاصی رسیدگی به تخلفات اداری، باید به این نکته توجه شود که به موجب ماده ۲۰ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳، دو مورد از مواردی که دادرسی انتظامی «مکلف به شروع رسیدگی» است، «الف - شکایت شاکی ذی‌نفع یا سرپرست و یا نمایندگان قانونی بیمار» و «د - شکایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» است و از آنجایی که رسیدگی به شکایت، در عین حال، ممکن است متضمن رسیدگی به اختلاف نیز باشد، مبانی نظری این موضوع نیز، البته به صورت اجمالی، مورد بررسی واقع می‌شود.

در اینجا منظور از «اختلاف اداری»، اختلافی است که بین اشخاص حقوق خصوصی - شامل شخص حقیقی و شخص حقوقی - با پزشکان، در امور پزشکی واقع شده باشد. با توجه به این تعریف، در اینجا منظور امری است متضمن ارتباط کاری پزشک با مردم. این ارتباط کاری باید در چارچوب و مطابق قانون و قواعد و ضوابط اخلاق حرفه‌ای پزشکان باشد.

مبانی نظری کلی مراجع اختصاصی رسیدگی به اختلافات اداری نیز تا حدودی همان است که در بالا - ذیل عنوان «تئوری کلی دادگاه‌های اداری (مراجع اختصاصی رسیدگی اداری)» بیان شده است. به عبارت دیگر مراجع اختصاصی رسیدگی به اختلافات اداری با مراجع اختصاصی رسیدگی به تخلفات اداری، از این جهت که هر دو دادگاه اداری هستند، دارای مبانی مشترک می‌باشند و تمایز بین تئوری، اصول و قواعد ساختار و کار آن‌ها از جهت تمایز بین موضوع کارشان -

از نظرگاه تئوری حقوق اداری، برای تخلف از هر مقرره‌ای از هر یک از این قوانین باید مراجع اداری تشخیص، رسیدگی و صدور حکم تنبیه پیش‌بینی شده باشد، البته برای همه اقسام این حکم‌ها در صورتی که قطعی باشند، به موجب اصول سی و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (دادخواهی حق مسلم هر فرد است...) و یکصد و پنجاه و نهم (مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است...) باید بتوان به مرجع صالح رسیدگی قضایی تقاضای رسیدگی فرجامی داد.

متخلف، بر حسب ماهیت قانونی که نقض شده است، ممکن است در ماجرای ارتکاب تخلف، متصدی امر عمومی یا غیر متصدی امر عمومی باشد، مثلاً ممکن است یک قاضی در کار قضاوت خود یا یک پزشک در کار پزشکی خود، مرتکب تخلف انتظامی شود. در مثال اخیر، اگر پزشک متخلف، سمت دولتی هم داشته باشد، باید به این نکته توجه شود که این تخلف انتظامی را در نقش پزشک مرتکب شده است - نه در نقش سمت دولتی‌اش و در مقابل قانون، با سایر پزشکان مساوی است.

این اصل حقوقی، بر تئوری ضرورت توجه به تمایز نقش‌ها - یکی از پیشرفته‌ترین تئوری‌های رفتار اشخاص جامعه - منطبق است. این تئوری، مبنای بایسته و قابل اتکایی برای ارزیابی و قضاوت درباره رفتار افراد است.

در اینجا این نکته هم باید مد نظر باشد که در همه انواع تخلف‌های اداری (به معنای عام، از جمله تخلفات انتظامی اعضای حرفه، مثل پزشکان) بعضی (تعداد نسبتاً کمی) از تخلف‌ها در عین حال، جرم هم هستند، مثل «اختلاس» در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که تخلفات اداری کارمندان را برشمرده است، یعنی قانونگذار برای آن‌ها در قوانین جزایی و یا در ماده‌های قانونی با ماهیت جزایی مجازات کیفری هم در نظر گرفته است.

در کشور ما، قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ برای جرم این تعریف را ارائه داده است: ماده ۲: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.

در صورتی که یک تخلف اداری - از جمله تخلف انتظامی - در عین حال، جرم هم باشد، این پرسش مطرح می‌شود: آیا باید در هر دو مرجع رسیدگی (اداری بر حسب مورد، انتظامی، و قضایی) رسیدگی شود یا تنها در مرجع رسیدگی قضایی؟ یک پاسخ این است: تنها در مرجع رسیدگی قضایی و پاسخ دیگر، این است: در هر دو مرجع رسیدگی (اداری، بر حسب مورد، انتظامی و قضایی). برای نظر اول (رسیدگی، تنها، در مرجع قضایی)، چنین استدلال می‌شود: یک رفتار، تنها باید در یک مرجع مورد رسیدگی و مجازات واقع شود و چون رفتار فرد، جرم هم هست، باید در مرجع رسیدگی قضایی مورد رسیدگی واقع شود و چون مرجع رسیدگی قضایی، از نظر آیین رسیدگی در سطح دقیق‌تری از مرجع رسیدگی اداری قرار دارد و این مرجع، در صورت اثبات وقوع جرم، حکم به مجازات کیفری می‌دهد که معمولاً سنگین‌تر از تنبیه اداری (مجازات اداری) است، این رسیدگی و مجازات کافی است، ضمناً از آن جایی که «ممنوعیت مجازات مضاعف» از «اصول دادرسی عادلانه حاکم بر مراجع اختصاصی غیر قضایی واجد وصف کیفری» است (۵)، نباید یک فرد برای یک رفتار خلاف قانون، دو بار مجازات شود.

برای نظر دوم (رسیدگی در هر دو مرجع اداری بر حسب مورد، انتظامی و قضایی) می‌توان چنین استدلال کرد: حقوق، عالم اعتبارات است؛ در مورد تخلف اداری‌ای که جرم هم هست، درست است که ظاهراً یک رفتار مطرح است، ولی این رفتار، به یک اعتبار، تخلف اداری و به یک اعتبار، جرم است. در عالم واقع هم، باید توجه کرد که تبعات تخلف‌های اداری، حدوداً در سازمانی خاص یا یک قلمرو موضوعی خاص وقوع می‌یابد، در حالی که تخلفاتی که جرم هستند، دارای تبعاتی منفی برای کل جامعه (از جنبه‌های گوناگون) می‌باشند و اصلاً به همین علت، جرم هم هستند. در مورد تخلف‌هایی که در جامعه واقع می‌شوند، مثل تخلف‌های صنفی می‌توان از جمله احتکار را مثال آورد. احتکار، در هر کشوری در عین اینکه یک تخلف صنفی است، به علت تبعات منفی برای کل جامعه، باید به عنوان جرم هم شناخته شود (برای آن مجازات تعیین شود).

در تجزیه و تحلیل این موضوع، باید به این نکته هم توجه داشت که در هر صورت، مرجع رسیدگی به تخلف موظف است که اگر تخلف اعلام شده، جرم هم باشد، موضوع را به مرجع قضایی ذیصلاح اعلام کند، حتی در صورت سکوت قانون خاص رسیدگی مرجع رسیدگی به تخلف، بنا بر یک قاعده کلی، هر مرجع، مقام یا متصدی یک امر رسمی که از وقوع جرمی مطلع شود، موظف است آن را به مرجع قضایی ذیصلاح اعلام کند. در این موضوع، به ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری، که در مورد جرائم غیر قابل گذشت است هم باید توجه شود، در هر صورت، به این دلیل، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هم ناظر موظف بوده است که رفتاری که تخلف ادرازی و جرم بوده است را علاوه بر گزارش به مرجع صالح رسیدگی اداری، به مرجع قضایی ذیصلاح اعلام کند و هم مرجع رسیدگی اداری مکلف است اگر رفتار گزارش شده را بر فرض ثبوت، جرم بداند، به مرجع ذیصلاح قضایی گزارش کند.

در مورد بعضی از مشاغل، ممکن است قانونگذار چنین مقتضی بداند که ناظر، گزارش تخلف را تنها به مرجع رسیدگی اداری (دادگاه اداری، به معنای عام، شامل دادگاه انتظامی)، گزارش دهد و دادگاه اداری، در صورتی که رفتار را جرم هم دانست، به ترتیب مذکور در بالا، ضمن شروع به رسیدگی، به مرجع صالح قضایی هم گزارش کند. این استدلال در مورد مشاغل که دارای پیچیدگی‌های علمی و فنی فوق‌العاده بالایی هستند، برجسته‌تر است، البته ناظران بر رفتار شاغلان این مشاغل نیز باید دارای تسلط کافی بر این پیچیدگی‌ها باشند، ولی ممکن است قانونگذار چنین به صلاح جامعه و کشور ببیند که قبل از زدن برچسب اتهام به متخصصین و صاحب‌نظران شاغل در این رشته‌های شغلی، دادگاه اداری ذی‌ربط (دادگاه اداری به معنای خاص یا دادگاه انتظامی، یا دادگاه محاسباتی، یا هر قسم دیگری) که بنا بر قاعده باید مشتکل از افراد متخصص و صاحب نظر باشد، نیز موضوع را از جهت درستی اطلاق عنوانی از عناوین جرم‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در کشور ما، ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیأت علمی

با این استدلال‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که رفتارهایی که هم تخلف اداری - به معنای عام، شامل تخلف انتظامی - و هم جرم هستند، باید هم در مرجع رسیدگی اداری، برحسب مورد، مرجع رسیدگی انتظامی - از جهت «تخلف اداری»، بر حسب مورد، تخلف انتظامی‌بودن - و هم در مرجع رسیدگی قضایی - از جهت «جرم» بودن - رسیدگی شوند و در صورت اثبات تخلف - در مرجع رسیدگی اداری، برحسب مورد، انتظامی - و اثبات جرم - در مرجع رسیدگی قضایی - برای فرد محکوم هم مجازات اداری، برحسب مورد، انتظامی، و هم مجازات کیفری (مجازات قضایی) تعیین شود، کما اینکه قانون رسیدگی به تخلفات اداری، ۱۳۷۲ این رویه را برگزیده است.

اینک، بر مبنای بایستگی رسیدگی به تخلف اداری‌ای که جرم هم باشد، در دو مرجع رسیدگی اداری و رسیدگی قضایی، آیا برای رسیدگی یکی از دو مرجع قضایی و اداری، باید قائل به اولویت زمانی بود؟ در پاسخ به این پرسش، منطقی‌های زیر را می‌توان طرح کرد:

قاعده، این است که تخلف اداری - از جمله تخلف انتظامی - باید از سوی ناظران حوزه کاری و یا سازمانی‌ای که تخلف در آن واقع می‌شود، کشف شود و به مرجع رسیدگی به آن نوع تخلف اعلام شود و اگر تخلف، در عین حال، جرم هم باشد، هم زمان، گزارش امر به مرجع قضایی صالحه ارسال شود. در این موضوع، در کشور ما، ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲ برای «مقامات و اشخاص رسمی» حکم روشنی دارد؛ این ماده، در ادامه، نقل خواهد شد. با این وجود، در سطح تئوری، این پرسش هم برای بعضی از حوزه‌های کاری و یا سازمان‌ها و در مورد بعضی از مشاغل قابل طرح است که آیا من حیث‌المجموع، بهتر نیست که گزارش تخلفی که جرم هم باشد را ناظر، تنها به مرجع رسیدگی به آن تخلف ارائه دهد و این مرجع، پس از بررسی و احراز اینکه رفتار گزارش شده، در صورت ثبوت، جرم (علاوه بر تخلف‌بودن) است، گزارش را برای مرجع صالح قضایی ارسال کند؟ و ضمناً به مرجع قضایی اعلام دارد که رسیدگی به جنبه تخلف رفتار را شروع کرده است و نتیجه را به مرجع قضایی اعلام خواهد کرد.



جرم‌ها، فرایند رسیدگی، ممکن است با شکایت شاکی شروع شود. در مورد بایستگی رسیدگی دادسرای انتظامی با شکایت، بندهای «الف» و «د» ماده ۳۰ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران در بالا نقل شده‌اند. در مورد جرم هم، به موجب ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.

نکته دیگری که در خصوص رسیدگی به تخلفات اداری - به معنای عام، شامل دادگاه‌های رسیدگی به تخلفات انتظامی - باید مد نظر باشد، ضرورت وجود دادسرای اداری - به معنای عام، شامل دادسرای انتظامی - در کنار دادگاه اداری است. وجود دادسرای اداری در کنار دادگاه‌های اداری در هر یک از نهادهای رسیدگی به تخلفات اداری از جهات مختلف ضروری است، از جمله از جهت کشف، تشکیل پرونده، پیگرد و تحقیق در مورد تخلف‌های اداری و برقراری رویه واحد در همه این مراحل.

با این حال، از میان چهل و دو مرجع اختصاصی غیر قضایی کیفری (مراجع رسیدگی به تخلفات اداری) برشمرده شده در ایران در سال ۱۳۹۶، تنها هشت مرجع اختصاصی غیر قضایی با تشکیل دادسرا در معیت آن برشمرده شده است (۵) که یک ردیف از آن‌ها، مراجع رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان و حرفه‌های وابسته است.

«جرم جزایی (Delit Penal) (جزا) عملی است که قانون برای آن مجازات معین کرده باشد... در مقابل جرم مدنی استعمال می‌شود» (۱) و «جرم مدنی (مدنی) عملی است ناشی از تقصیر یا عمد که فاعل آن را ضامن خسارت می‌سازد» (۱).

نکته دیگری که باید به آن توجه شود، این است که ظاهراً تعریف «جرم» در قانون مجازات اسلامی، کتاب اول، کلیات (ماده ۲) شامل تخلف اداری (به معنای عام، از جمله شامل تخلف انتظامی) نمی‌شود، هرچند جرم در معنای عام - در ادبیات حقوقی - را باید شامل تخلف اداری (به معنای عام) هم دانست. تخلف اداری در معنای عام خود، اقسامی دارد، از جمله «تخلف اداری به معنای خاص (تخلف اداری کارمندان)،

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، مصوب ۱۳۶۵/۵/۵ هیأت وزیران مقرر داشته است: «در صورتی که تخلف متخلف واجد عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین کیفری باشد، هیأت‌ها مکلفند پرونده را به مراجع ذی‌صلاح ارسال و دستور توقف رسیدگی را تا صدور رأی از مراجع مذکور صادر نمایند.»

باید توجه داشت که دادگاه اداری در هر صورت، باید چنین تجزیه و تحلیلی را انجام دهد، در صورتی که رفتار گزارش شده را جرم تشخیص دهد، موظف است به مرجع قضایی ذی‌صلاح گزارش کند و در این راستا نمی‌تواند به تشخیص ناظر گزارش دهنده، اکتفا کند، زیرا ممکن است رفتاری واقعاً جرم باشد، ولی ناظر متوجه جرم بودن رفتار نشده است یا به اتکای وظیفه دادگاه اداری مبنی بر گزارش رفتاری که جرم هم هست، به مرجع قضایی ذی‌صلاح و یا به هر دلیل دیگر، از این اقدام اجتناب ورزیده باشد، به علاوه از جهت یافتن عنوان مناسب تخلف اداری برای رفتار واقع شده نیز این تجزیه و تحلیل صورت می‌گیرد و ممکن است تخلف با عنوان تشخیص داده شده، در عین حال جرم هم باشد، مثل اختلاس.

اینکه قانونگذار ممکن است تسجیل (مقدماتی) صدق اتهام به ارتکاب یک جرم را موکول به تشخیص دادگاه اداری قرار دهد، ممکن است ناشی از وجود احتمال بعضی واقعیات باشد، مثلاً ممکن است که در بعضی از موارد و گاه، واحد نظارتی ذی‌ربط، ناظران متخصص رشته شغلی شاغل مرتکب تخلف اداری را در اختیار نداشته باشد و نظارت و گزارش آن از سوی ناظران، تنها با دانش و تجربه عمومی ضروری نظارت صورت پذیرد.

به علاوه ممکن است قانونگذار برای مقطع زمانی شرایط غیر عادی کشور - مثل اینکه کشور، مشمول تحریم ظالمانه یک کشور مقتدر قرار گرفته باشد - با توجه به اوضاع و احوال این مقطع زمانی، مقتضی بداند که گزارش ناظر مبنی بر وقوع تخلف اداری و جرم، در مورد بعضی از مشاغل، پس از تجزیه و تحلیل مقدماتی موضوع جرم بودن یا نبودن رفتار گزارش شده از سوی دادگاه اداری، به دادسرای ذی‌صلاح ارسال شود.

در تجزیه و تحلیل مسأله اولویت زمانی، باید به این نکته هم توجه شود که در مورد بعضی از تخلفات و در مورد بعضی از

مرکز دارای هیأت‌های عالی انتظامی پزشکی و در مراکز استان‌ها دارای هیأت‌های بدوی و تجدید نظر و در شهرستان‌ها دارای هیأت‌های بدوی انتظامی پزشکی خواهد بود که مطابق مواد بعدی این قانون تشکیل می‌گردند...»

«تخلف»ها و «مجازات»ها نیز در تبصره ۱ همین ماده تعیین شده‌اند: «عدم رعایت موازین شرعی و قانونی و مقررات صنفی و حرفه‌ای و شغلی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی به وسیله شاغلین حرف پزشکی و وابسته به پزشکی تخلف محسوب و متخلفین با توجه به شدت و ضعف عمل ارتكابی و تعدد و تکرار آن حسب مورد به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردند: الف - تذکر یا توبیخ شفاهی در حضور هیأت مدیره نظام پزشکی محل؛ ب - اخطار یا توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی محل؛ ج - توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل؛ د- محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در محل ارتكاب تخلف؛ ه- محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در تمام کشور؛ و- محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی از بیش از یک سال تا پنج سال در تمام کشور؛ ز- محرومیت دائم از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته در تمام کشور.»

در مورد این ماده، باید به نکات زیر - به ترتیب مطالب متن ماده - توجه شود:

در متن نقل شده از ماده ۲۸ در بالا، عبارت «تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته» دقیق به نظر نمی‌رسد، زیرا عنوان تخلف صنفی، مناسب افراد صنفی است. به موجب ماده ۲ قانون نظام صنفی کشور، مصوب ۱۳۸۲/۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی، هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از تولید، تبدیل، خرید، فروش، توزیع، خدمات و خدمات فنی سرمایه‌گذاری کند و به عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به طور

تخلف انتظامی (که از جمله برای مشاغلی مخصوص در بخش عمومی کشور، مثل عضویت هیأت علمی، قضاوت و برای اعضای حرفه‌ها، مثل وکالت دادگستری، پزشکی، مد نظر است)، تخلف مالی در بخش عمومی کشور، تخلف محاسباتی در بخش عمومی کشور، تخلف انضباطی.

البته تخلف انضباطی، در معنای وسیع، شامل معنایی از تخلف انتظامی هم دانسته شده است، ولی این معنا، مخصوصاً با توجه به تعریف حرفه که در بالا ارائه شده است، دقیق به نظر نمی‌رسد. یکی از این‌گونه تعریف‌ها، در زیر نقل شده است:

تخلف انضباطی: «نقض مقررات صنفی به وسیله یک نفر از افراد آن صنف، مانند صنف قضات، وکلا، کارشناسان دادگستری و... . مرادف اصطلاح جرم انضباطی، تقصیر انضباطی است...» (۱).

گاه، به جای واژه تخلف انتظامی، جرم انتظامی یا خطای انتظامی نیز به کار می‌رود. «منظور از جرم انتظامی یا همان خطای انتظامی تخلف از مقررات خاص مربوط به یک جمعیت یا شغل معین است و در واقع جرم انتظامی، تخلفات صنفی است» (۶).

## ۲. تبیین نظام رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان در

ایران: برای تبیین نظام رسیدگی، در بدو امر، ساختار هیأت‌های انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین گروه پزشکی و حرف وابسته (ردیف پنجم از ارکان سازمان - ماده ۵ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران)، مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شود. قانون مذکور در جلسه ۱۳۸۳/۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی تصویب و در ۱۳۸۳/۸/۱۶ با اصلاحاتی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است. در این قانون، فصل ششم به هیأت‌های انتظامی پزشکی اختصاص یافته است (ماده‌های ۲۸ تا ۴۲).

### ۱-۲. ساختار هیأت‌های انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین گروه پزشکی و حرف وابسته:

به موجب ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، «سازمان نظام پزشکی به منظور رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته در

عبارت مورد تجزیه و تحلیل در بالا، آمده است. روشن است که با اصلاح اصل، فرع نیز باید اصلاح شود.

۲-۲. تمایز «تخلف محسوب‌شدن» با «تخلف‌بودن» رفتار: رفتارهای برشمرده‌شده در «تبصره ۱»، تخلف «محسوب» شده‌اند. باید توجه داشت که در عبارتهای دقیق حقوقی، «محسوب‌شدن» با «بودن» فرق دارد. وقتی رفتاری تخلف «محسوب» شود، به این معنا است که ماهیتاً تخلف نیست، ولی قانونگذار، بنا بر مصالحی، در اینجا آن را تخلف به حساب آورده است. آیا قانونگذار نتوانسته است که حتی، یک مورد رفتاری را نام ببرد که ماهیتاً تخلف باشد؟!

البته قسمت دوم از فصل اول آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۰/۶/۱۹ شورای عالی سازمان، با عنوان «شرح وظایف و تخلفات صنفی و حرفه‌ای» - ماده‌های ۲ تا ۳۵ - رفتارهایی که تخلف هستند را با تفصیل نسبی بیان کرده است، به صورت ممنوع‌کردن رفتار یا به طریقی دیگر، مثل مکلف‌کردن، با توجه به اینکه عمل‌نکردن به تکلیف، تخلف است. با این وجود، به صراحت تعیین نشده است که تخلفات انتظامی مورد نظر، منحصر است به این تخلفات بیان‌شده در آیین‌نامه یا ممکن است که با استناد به یکی از عنوان‌های تخلف محسوب شده در قانون - تبصره ۱ ماده ۲۸ منقول در بالا - رفتاری دیگر را نیز تخلف انتظامی دانست؟

چنین استنباط می‌شود که این وضعیت، ممکن است موجب تشتت در رویه هیأت‌های انتظامی پزشکی شود و از این روی، رعایت عدل و انصاف در معرض تهدید قرار گیرد.

۳-۲. سکوت قانون در مورد مسأله رسیدگی مرجع رسیدگی انتظامی به رفتاری که تخلف اداری و جرم است، علاوه بر رسیدگی قضایی: بعضی از این تخلف‌ها، بر حسب مورد (رفتاری که از سوی متخلف واقع شده است) ممکن است جرم هم باشند، مثل «صدور گواهی خلاف قانون و موازین علمی...» (تبصره ماده ۶) که مرتکب تخلف ممکن است، در عین حال مرتکب جرم تعیین‌شده در ماده ۵۳۹

مستقیم یا غیر مستقیم و به صورت کلی یا جزئی به مصرف کننده عرضه دارد، فرد صنفی شناخته می‌شود. تبصره: صنفی که قانون خاص دارند، از شمول این قانون مستثنی هستند.

رسیدگی به تخلفات صنفی در مراجعی غیر از مراجع مخصوص رسیدگی به تخلفات صنفی، نه از نظر تئوری و نه در عمل، جایگاهی دارد. قانون نظام صنفی کشور نیز، دارای «فصل هشتم - تخلفات و جرمه‌ها» - ماده‌های ۵۷ تا ۷۴ - است. ماده‌های اول این فصل، عنوان و تعریف تخلف‌ها را بیان داشته‌اند، گران‌فروشی، کم‌فروشی، تقلب، احتکار... این قانون، در هر شهرستان، هیأت (های) رسیدگی بدوی و هیأت (های) تجدید نظر را پیش‌بینی کرد، البته در بحث تشخیص مرجع ذی‌صلاح برای رسیدگی به تخلفات صنفی (به معنای عام)، «قانون» تعزیرات حکومتی که «طی جلسات متعدد از تاریخ ۱۳۶۷/۶/۱۶ تا تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ در مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی به تصویب رسید» با اصلاحات و الحاقات، نیز باید مد نظر باشد.

بر مبنای استدلال‌ها و استنادهای به عمل‌آمده در بالا، چنین استنباط می‌شود که رسیدگی به تخلفات در شغل غیر «حرفه» وابسته به پزشکی، اگر باشد و ذیل عنوان صنف بگنجد، باید در نظام رسیدگی به تخلفات صنفی کشور صورت پذیرد. با هم بودن صلاحیت رسیدگی به این دو نوع تخلف، در یک مرجع، با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده در بالا موجه نیست و در عمل، ممکن است موجد چالش‌های متنوعی گردد و این چالش‌ها رعایت عدل و انصاف را به خطر اندازند.

البته در قسمت اول از فصل اول آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۰/۶/۱۹ شورای عالی سازمان، با عنوان «تعریف» که دارای یک ماده (ماده ۱، اصلاحی ۱۳۹۴/۹/۵) است، کلمه «صنف» یا قید «صنفی» نیامده است و حتی در تبصره آن آمده است که «از این پس به اختصار «شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته» نامیده می‌شوند.»

در تبصره ۱ ماده، در عبارت «موازین شرعی و قانونی و مقررات صنفی و حرفه‌ای و شغلی» نیز، کلمه «صنفی» به تبع

تشتت در رویه هیأت‌های انتظامی پزشکی شود و از این روی، عدل و انصاف در معرض تهدید قرار گیرد.

۲-۴. **دادرسی انتظامی:** به موجب ماده ۲۹ قانون مذکور، «در معیت هیأت بدوی انتظامی، اعضای دادرسی مرکب از دادستان و تعداد مورد نیاز دادیار به تشخیص شورای عالی با رأی اعضای هیأت‌مدیره و حکم ریاست سازمان انتخاب می‌شوند.

تبصره ۱: دادیاران باید حداقل پنج سال سابقه اشتغال به حرف پزشکی یا در یکی از حرف پزشکی وابسته و دادستان حداقل هفت سال سابقه اشتغال به حرف پزشکی داشته باشند.

تبصره ۲: مدت مأموریت اعضای دادرسی تا پایان دوره هیأت مدیره است.

تبصره ۳: دادستان می‌تواند یکی از دادیاران را به عنوان معاون اول خود انتخاب کند تا از طرف او وظایف محوله را انجام دهد.»

در مورد ماده منقول در بالا، این پرسش مطرح است که به ویژه، با توجه به تحولات پرشتاب، گسترده و عمیق علوم و فناوری‌های حوزه پزشکی و حرف مربوط، در زمانه ما، آیا نیاز نیست که دادیاری و دادستانی دادرسی انتظامی به صورت شغل ثابت طراحی و تصویب شوند و دادیاران و دادستان دادرسی انتظامی با سیستم فنی شایستگی<sup>۵</sup> تعیین شوند، با مسابقه ورودی بین داوطلبان دارای شرایط احراز شغل<sup>۶</sup> و استخدام برای طول عمر خدمتی و طی کردن مراتب ترقی سازمانی با شایستگی و رقابت.

امروزه مفهوم شایستگی، توسعه قابل توجهی یافته است. تعاریف گوناگونی از مفهوم شایستگی ارائه شده است (۷).

نکته مد نظر با توجه به هدف و قلمرو پژوهش حاضر، این است که در صورت نقص و یا اشکال و یا به روز نبودن نحوه انتخاب و انتصاب دادیاران و دادستان اداری، رعایت عدل و انصاف در معرض آسیب قرار خواهد گرفت.

قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده<sup>۴</sup> نیز شده باشد.

در اینجا باید به این نکته توجه شود که به صورت کلی، با توجه به مبانی نظری مطرح شده در بالا، به ویژه، اختلاف نظر تشریح شده در مورد تخلفی که جرم هم باشد، مبنی بر اینکه آیا باید در دو مرجع - قضایی، اداری، بر حسب مورد، انتظامی - رسیدگی شود یا رسیدگی در مرجع قضایی کافی است، باید در «قانون» مورد استناد، پاسخ چنین سؤالی در خصوص تخلف انتظامی پزشکان و شاغلین حرفه‌های وابسته که در عین حال، جرم هم باشد، داده می‌شود. ماده ۴۱ و دو تبصره آن از قانون یادشده - مربوط به نظر مشورتی کارشناسی و تخصصی از سوی هیأت‌های بدوی انتظامی نظام پزشکی هر یک از شهرستان‌ها به دادگاه‌ها و دادرسی‌های شهرستان مربوط، نسبت به هر یک از پرونده‌های مربوط به رسیدگی به اتهام بزه ناشی از حرفه صاحبان مشاغل پزشکی - نیز حکمی در این خصوص ندارد.

البته باید توجه شود که «هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرائم غیر قابل گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند، مکلفند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند» (ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲ ش.).

با این وجود، هیأت انتظامی نظام پزشکی ممکن است با این پرسش مواجه شود که آیا مشمول عنوان مقام یا شخص رسمی هست؟ روشن است که این نظر علمی در این مقاله که همه سطوح هیأت‌های انتظامی پزشکی مقام رسمی‌اند، از نظر علمی، ممکن است مورد اتفاق نظر نباشد و بر فرض که باشد هم، ممکن است هیأت‌های یادشده، تا وضع یک ماده «قانون» یا تصویب و ابلاغ یک مقرر قانونی یا صدور یک رأی وحدت رویه - قضایی یا اداری - خود را موظف به اعلام هر بزه واقع شده که در عین حال، تخلف انتظامی و در دست رسیدگی است، به مرجع قضایی ذیصلاح ندانند.

با استدلال‌ها و استنادهای به عمل آمده در بالا، چنین استنباط می‌شود که این سکوت قانون در اینجا، نیز ممکن است موجب

آیین رسیدگی کامل در دادسرا دانست، البته چنین انتظاری موجه نیست که روش‌ها و مراحل تمام جزئیات امور نیز در «قانون» تعیین شود، ولی روشن است که شایسته است که سایر قواعد در سطح ماده‌های ۳۰ تا ۳۳ نیز در قانون شامل این مواد مقرر شوند.

شورای عالی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران با تصویب «آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران» در ۱۳۹۰/۶/۱۹ و «آیین رسیدگی دادسراها و هیأت‌های انتظامی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران» در همان تاریخ و «شیوه‌نامه اجرایی کمیسیون‌های موضوع ماده ۳۴ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران» در ۱۳۹۴/۹/۵ و «دستورالعمل نحوه کارشناسی و تشکیل کمیسیون‌های تخصصی در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران» در همان تاریخ، تلاش کرده است که کمبود مقررات آیین رسیدگی در قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران را با وضع مقررات مورد اقتضا، به گونه‌ای در عمل رفع کند. با این وجود و در هر صورت، روشن است که به روزرسانی و یا گذاشتن بنیان‌های جدید در نظام رسیدگی به تخلفات انتظامی، جز با وضع «قانون» امکان‌پذیر نیست.

یکی از قواعدی که باید به صورت «قانون» گذاشته شود، چند و چون رجوع به «عدل»، «انصاف» و «اخلاق حرفه‌ای اعضای سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران» در رسیدگی انتظامی است و در این راستا، ابتدا، باید عدل و انصاف دارای تعریف کاربردی قانونی، ولو صرفاً برای رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان و حرف وابسته باشند.

اینکه «لازم است اعضا انصاف را در مورد همه بیماران و مراجعه‌کنندگان و عدالت را بین بیماران و مراجعه‌کنندگان مختلف پاس دارند» (ماده ۱ از فصل چهارم از سند «راهنمای عمومی اخلاق حرفه‌ای اعضای سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران») از این جهت که به صورت ضمنی، وجه تمایز بین عدالت و انصاف ارائه می‌دهد، واجد ارزش است،

با این استدلال، ضرورت بازبینی و در صورت اقتضا، اصلاح و یا به روزرسانی شرایط و روش‌های انتخاب و انتصاب دادپاران و دادستان دادسرای انتظامی، استنباط می‌شود.

**۲-۵. ضرورت تکمیل آیین رسیدگی دادسرای انتظامی، در قانون:** به موجب ماده ۳۰ این قانون، «دادسرای انتظامی در موارد ذیل مکلف به شروع رسیدگی است: الف - شکایت شاکی ذی‌نفع یا سرپرست و یا نمایندگان قانونی بیمار؛ ب - اعلام تخلف از مراجع قضایی - اداری؛ ج - اعلام تخلف از طرف هیأت مدیره، شورای عالی و ریاست سازمان؛ د - شکایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ه - در مورد تخلفات مشهودی که به نظر اعضای دادسرا و هیأت‌های انتظامی پزشکی رسیده است؛ و - ارجاع از طرف هیأت بدوی انتظامی پزشکی.» به موجب ماده ۳۱ این قانون «دادسرا پس از وصول شکایت با اقدامات مقتضی اعم از تحقیق از شاکی، ملاحظه مدارک و سوابق مربوطه و استعلام از مطلعین و انجام معاینات و آزمایشات مورد لزوم و جلب نظر کارشناسی، موضوع را مورد رسیدگی قرار خواهد داد، در صورتی که عقیده به تعقیب داشته باشد پس از جلب موافقت دادستان یا معاون اول، کیفرخواست تنظیم و پرونده را جهت رسیدگی به هیأت بدوی انتظامی ارسال می‌نماید» و به موجب ماده ۳۲ همین قانون، «کیفرخواست باید مشتمل بر مشخصات کامل متخلف، تاریخ و محل تخلف و چگونگی آن و دلایل مربوط به مواد استنادی باشد» و به موجب ماده ۳۳ همین قانون، «در صورتی که دادسرا به علت عدم وقوع تخلف یا فقدان دلیل نظر به منع تعقیب داشته باشد و در صورت موافقت دادستان دستور منع تعقیب صادر و مراتب را با تذکر حق شکایت به شاکی یا مرجع اعلام تخلف اعلام می‌نماید. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ به ذی‌نفع در هیأت بدوی انتظامی قابل رسیدگی بوده و در صورت تشخیص فسخ قرار منع تعقیب هیأت بدوی انتظامی راساً به موضوع رسیدگی و حکم مقتضی صادر خواهد کرد.»

اینک باید به این نکته توجه شود که مجموعه ماده‌های ۳۰ تا ۳۳ منقول در بالا، هرچند تا حدودی اساس آیین رسیدگی دادسرای انتظامی را تشکیل می‌دهد، ولی نمی‌توان آن را یک

با استدلال و استناد به عمل آمده در بالا، چنین استنباط می‌شود که پیش‌بینی رسیدگی‌های مکرر، به ویژه بدون تعیین کامل ملاک‌های عینی رسیدگی، با تعریف‌های کاملاً مشخص، ممکن است رعایت عدل و انصاف را در رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان و شاغلان سایر حرفه‌های پزشکی، در معرض تهدید قرار دهد.

۲-۷. نبود هیأت منصفه: نگاهی کلی به ساختار رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان و شاغلان سایر حرف پزشکی آشکار می‌سازد که برای این رسیدگی، نظام انصاف مقرر نشده است. نظام انصاف مستلزم تعریف انصاف، به ویژه، تشخیص اصولی تمایز آن با عدل و تأسیس هیأت منصفه است.

مضاعف بودن ضرورت وجود نظام انصاف از این واقعیت ناشی می‌شود که رفتار پزشکی، به ویژه در زمانه ما، با توجه به تحولات پرشتاب گسترده و عمیق در علوم و فناوری‌های مربوط، از پویایی زمانی، مکانی و موقعیتی بالایی برخوردار است.

با این استدلال، تأسیس نظام انصاف ضروری به نظر می‌رسد.

#### بحث

ممکن است چنین اندیشیده شود که استمرار فعالیت نظام فعلی رسیدگی به تخلفات پزشکان، در طول سالیان متمادی، نشان از بی‌نیازی سیستم فعلی به اصلاح و تکمیل دارد. در پاسخ می‌توان چنین گفت که تجربه حاصله از سالیان عملکرد سیستم فعلی رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان سرمایه‌ای عظیم برای به روزرسانی و ارتقای آن است.

#### نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش را، به ترتیب طرح مسائل در بالا، می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- در ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، عبارت «رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته» دقیق به نظر نمی‌رسد، زیرا عنوان تخلف صنفی - به معنای اصطلاحی آن - مناسب افراد صنفی و

ولی هم از نظر محتوا و هم از نظر آیین وضع و یا کشف قاعده، قابل بحث به نظر می‌رسد.

با استدلال‌ها و استنادهای به عمل آمده در بالا، چنین استنباط می‌شود که ضرورت تکمیل مواد قانونی آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان و حرف وابسته، مخصوصاً وضع تعریف کاربردی قانونی عدل و انصاف و تعیین چند و چون رجوع به عدل و انصاف و اخلاق حرفه‌ای اعضای سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران.

۲-۶. مقرر بودن دو مرحله تجدید نظر: در این قانون، علاوه بر تشکیل هیأت‌های بدوی انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای (در ماده ۳۵)، تشکیل «هیأت تجدید نظر انتظامی استان» نیز مقرر شده است (در ماده ۳۶) و به منظور رسیدگی به اعتراضات و شکایات اشخاص (حقیقی - حقوقی) از طرز کار هیأت‌های بدوی و تجدید نظر انتظامی و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها و تجدید نظر در احکام صادره از سوی هیأت‌های تجدید نظر انتظامی، تشکیل «هیأت‌های عالی انتظامی» در سازمان مرکزی نظام پزشکی، مقرر گردیده است (ماده ۳۷).

اینک، باید توجه شود که پیش‌بینی دو مرحله «تجدید نظر»، خلاف اصول رسیدگی به نظر می‌رسد به ویژه اینکه تعیین نشده است که هر سطح از این «تجدید نظر»ها از چه جهت (شکلی، ماهیتی یا هر دو) است و این سکوت، نشان از این دارد که در قانون مورد اشاره، تجدید نظر از سوی هیأت‌های عالی انتظامی نیز از هر دو جهت شکلی و ماهیتی است.

علاوه بر این‌ها، ماده ۴۰ نیز مقرر می‌دارد: چنانچه رییس کل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران آرای قطعی هیأت‌های بدوی و تجدید نظر انتظامی استان را خلاف قانون تشخیص دهد می‌تواند از هیأت عالی در خواست بررسی مجدد نماید. رأی هیأت عالی قطعی است.

حتی در اینجا نیز منظور از «بررسی مجدد» و شاخص آن معین نشده و تصریح نشده است که مراد از قانون، کدام سطح (های) قانون است؟ قانون به معنای عام یا قانون به معنای خاص؟

تعیین معیارهای عینی برای آن‌ها و تعیین چند و چون رجوع به عدل، انصاف و اخلاق حرفه‌ای اعضای سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ضروری به نظر می‌رسد.

۶- پیش‌بینی دو مرحله «تجدید نظر» در ماده‌های ۳۶ و ۳۷ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، بدون تعیین ملاک‌های عینی رسیدگی برای هر مرحله، ممکن است رعایت عدل و انصاف را در معرض تهدید قرار دهد.

۷- با توجه به اینکه [نظام] انصاف مستلزم تعریف قانونی «انصاف» و به ویژه، تشخیص اصولی تمایز آن با «عدل» و تأسیس هیأت منصفه است، می‌توان گفت که در ساختار رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان و شاغلان سایر حرف پزشکی، نظام انصاف مقرر نشده است و این، در حالی است که تحولات پرشتاب گسترده و عمیق علوم و فناوری‌های مربوط، از پویایی زمانی، مکانی و موقعیتی بالایی برخوردار است و این پویایی، ضرورت وجود نظام انصاف را مضاعف گردانده است.

جمع‌بندی نتیجه‌های بیان‌شده در بالا مبین این است که ساختار فعلی رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان و شاغلان سایر حرف پزشکی، در هر سه شاخص درستی، جامعیت و شفافیت، به منظور برخورداری از ظرفیت کافی برای رعایت کامل عدل و انصاف، نیازمند به روزرسانی، اصلاح و تکمیل است.

پیشنهادات: به روزرسانی، اصلاح و تکمیل ساختار رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکان و شاغلان حرف پزشکی وابسته، به ترتیب زیر:

۱- حذف عبارت «صنفی و» از ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران و مقررات مربوط و بازبینی این قانون از این جهت که تنها تخلفات حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته را شامل شود.

۲- اصلاح فعل محسوب می‌گردند به فعل هستند، در ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران.

۳- وضع حکم صریح قانونی برای این مسأله که آیا به تخلفی که جرم هم هست، باید در دو مرجع - قضایی انتظامی - رسیدگی شود یا رسیدگی در مرجع قضایی کافی است.

مشمول قانون نظام صنفی کشور، ۱۳۸۲ است و رسیدگی به تخلفات صنفی در مراجعی غیر از مراجع مخصوص رسیدگی به تخلفات صنفی، نه در تئوری موجه است و نه در عمل و ممکن است رعایت عدل و انصاف را به خطر اندازد.

۲- فعل «... محسوب می‌گردند» در تبصره ۱ ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به تفاوت معنایی «محسوب می‌گردند» با «هستند» در زبان فنی حقوقی، ممکن است موجب تشتت در رویه هیأت‌های انتظامی پزشکی شود و از این روی، رعایت عدل و انصاف در معرض تهدید قرار گیرد.

۳- با توجه به اینکه بعضی از تخلف‌های تعیین‌شده در قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، بر حسب مورد، ممکن است جرم هم باشند، سکوت قانون مذکور در این مسأله که آیا به این‌گونه تخلف‌ها باید در دو مرجع - قضایی و انتظامی - رسیدگی شود یا رسیدگی در مرجع قضایی کافی است، ممکن است موجب تشتت در رویه هیأت‌های انتظامی شود و از این روی، رعایت عدل و انصاف در معرض تهدید قرار گیرد.

۴- با توجه به شرایط احراز تعیین‌شده در تبصره ۱ ماده ۲۹ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، برای دادیاران و دادستان دادرسی انتظامی، چنین به نظر می‌رسد که به ویژه، با توجه به تحولات پرشتاب، گسترده و عمیق علوم و فناوری‌های حوزه پزشکی و حرف مربوط، نیاز است که دادیاری و دادستانی به صورت شغل ثابت در آیند و شاغلین این شغل با سیستم فنی شایستگی تعیین شوند، با مسابقه ورودی بین داوطلبان دارای شرایط احراز شغل و استخدام برای طول عمر خدمتی و طی کردن مراتب ترقی سازمانی با شایستگی و رقابت. در غیر این صورت، ممکن است رعایت عدل و انصاف، گاه و در بعضی از وضعیت‌ها به خطر افتد.

۵- هرچند مجموعه ماده‌های ۳۰ تا ۳۳ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران تا حدودی، اساس آیین رسیدگی دادرسی انتظامی را تشکیل می‌دهد، ولی نمی‌توان آن را یک آیین رسیدگی کامل در دادرسی دانست. تکمیل این آیین، مخصوصاً وضع تعریف کاربردی قانونی «عدل» و «انصاف» و

مقررات مخصوص دارد، علاوه بر شمول قوانین و مقررات عمومی کشور بر آن. اشتغال به این شغل، با پروانه مخصوص امکان‌پذیر است. تخلف از مقررات و اخلاق حرفه‌ای، مقتضی رسیدگی و تنبیه (مجازات) مخصوص است که مطابق «قانون» و از سوی مرجع مخصوص رسیدگی انتظامی مستقر در خود نظام حرفه‌ای صورت می‌پذیرد. با توسعه دولت‌های مدرن، قانونگذاران کشورها (با پیشنهاد دولت) با تصویب قانون‌های مخصوص تشکیل سازمان‌های نظام حرفه‌ای، امور هر حرفه را به اعضای همان حرفه، با هدایت و نظارت دولت، سپرده‌اند. مثل قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳.

۲. در کشور ما، نهضت قانون اساسی خواهی، با عنوان مشروطه خواهی در ۱۲۸۵ شمسی به نتیجه رسید و منجر به تصویب قانون اساسی مشروطه شد. نهادها، قوانین و سازمان‌های اداری مدرن به تدریج به وجود آمده و توسعه یافته‌اند.

۳. منبع زیر، از جمله شامل است بر «فهرست و ارکان مراجع اختصاصی غیر قضایی در ایران» (۵).

۴. ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده: هرگاه طبیب تصدیق‌نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم می‌گردد. در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ نیز چنین مقرر شده است: هر پزشکی که عمداً برخلاف واقع گواهی موضوع مواد ۲۳ و ۳۱ این قانون را صادر یا با سوءنیت از دادن گواهی مذکور خودداری کند، بار اول به محرومیت درجه ۶ موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به طبابت و بار دوم و بالاتر به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.

۵. سیستم شایستگی (Merit System) در ایالات متحده آمریکا برای تعیین افراد ذی‌صلاح برای تصدی پست‌های

۴- پیش‌بینی شغل ثابت برای دادیاران و دادستان، همراه با مقررکردن سیستم فنی شایستگی، به معنای واژه‌ای علمی آن، نه به معنای لغتی رایج.

۵- تکمیل آیین رسیدگی دادرسی انتظامی در قانون.

۶- یک مرحله‌ای کردن تجدید نظر و تعیین کامل ملاک‌های عینی رسیدگی تجدید نظر.

۷- مقررکردن [نظام] انصاف، به ویژه، با تشخیص اصولی تمایز انصاف با عدل و تأسیس هیأت منصفه.

### مشارکت نویسندگان

محمدوزین کریمیان تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

### تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

### پی‌نوشت

۱. حرفه (Profession) شغلی است - مثل پزشکی - که دارای ویژگی‌های زیر است: نظام دانش و فناوری آن، جهانی است. نظام اخلاق حرفه‌ای مخصوص خود دارد. نظام قوانین و



سازمانی نظام اداری و تأمین سایر مصالح اداری ملی، پس از آن مقطع زمانی که افراد مورد نیاز برای تصدی پست‌های سازمانی نظام اداری را احزاب پیروز در انتخابات تعیین می‌کردند، طراحی، تصویب و مستقر شده است. یکی از مصالح مورد اشاره این بوده است که متصدیان پست‌های سازمانی نظام اداری، با ثبات شغلی، دانش و توانش خود را، با کمک برنامه‌های آموزشی دولت که حال، سرمایه‌گذاری تلقی می‌شده است، ارتقا بخشند. یک مصلحت دیگر، این بوده است که در انجام وظیفه، خود را مدیون انتخاب‌کنندگان خود ندانند (چون شغل خود را با مسابقه ورودی در دانش و توانایی به دست می‌آورند، نه با انتخابات سیاسی).

۶. شرایط احراز هر شغل Job Qualification شامل شرایط تحصیلی، تجربی و سایر شرایط لازم برای تصدی آن شغل است

## References

1. Jaafary Langroody MJ. Law Terminology. 7th ed. Tehrn: Gange Danesh.Library; 2007. [Persian]
2. Robbins SP. Organization Theory structure design and application. 3rd ed. New Jersey: Prentice - Hall International Editions; 1990.
3. Barker D, Padfield C. Law Made Simple. London: Routledge; 1998.
4. Tabatabai Motamani M. Administrative Law. 6th ed. Tehran: The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities; 2000. [Persian]
5. Abdollahian O, Rafiey MR. The ways for the promotion of justice investigation in the administrative tribunals in Islamic Republic of Iran. 1st ed. Tehran: Judiciary Power, the Center of the Printed Resources and Editions; 2017.
6. Savelani E. Public criminal law. 8th ed. Tehran: Mashaheer Dadafarin; 2018.
7. Darvish H, Almassy Fard MR. Human resource management in the governmental Organizations. 1st ed. Tehran: Payam Noor University; 2016. [Persian]